

الشمس
الحرمان
الحرمان

تحولات شبه قاره هند

محمد مهدی توسلی

(عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان)



مرکز بین المللی
ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

سخن ناشر

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش‌ها و پدید آمدن دانش‌های نو، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ‌گویی به آن، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت افراد متخصص را ضروری می‌نماید. از این رو کتاب‌های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی‌ها تألیف شود.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

از طرفی بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد. در این

بستر، حوزه‌های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی‌اند.

«**جامعة المصطفى ﷺ العالمية**» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیرایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

«**مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفى ﷺ**» با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای محمدهدی توسلی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان مؤلف کتاب **تحولات شبه‌قاره هند** و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته‌اند، آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می‌کند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفى ﷺ

مقدمه پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ

حقیقت‌مداری اصیل‌ترین و زیباترین راز هستی و حقیقت‌طلبی ماندگارترین و برترین گرایش آدمی است.

داستان پر رمز و راز حقیقت‌جویی بشر، سرشار از هنرنمایی مؤمنان، مجاهدان و عالمانی است که با تمسک و پای‌بندی به حقیقت بی‌متها، در مصاف بین حق و باطل، سربلندی و شرافت ذاتی حق را نمایان ساخته‌اند و در این میان، چه درخشندگی چشم‌نوازی در اسلام عزیز است که علم را، به ذات خود، شرافت‌مند و فخیم دانسته و از باب تا محراب کائنات را سراسر علم و عالم و معلوم می‌نمایاند و در مکتب آن، جز اولو العلم و راسخان در مسیر طلب دانش، کسی را توان دست‌یابی به گنجینه‌های حکمت نیست.

علم برخاسته از وجدان پاک و عقل سلیم، در پرتو انوار آسمانی وحی، هم به فرد کمال انسانی، عظمت روحی و رشد معنوی می‌بخشد و فکر، اندیشه و خیال او را به پرواز درمی‌آورد و هم جامعه را سمت و سوی سعادت‌مندانه بخشیده و آن را به جامعه‌ای متمدن و پیشرو متحول می‌کند. بی‌توجهی و یا کوتاه فکری است اگر فرد و جامعه‌ای به دنبال عزت، استقلال، هویت، امنیت، سعادت و

سربلندی مادی و معنوی باشند اما آن را در صراطی غیر از حقیقت‌طلبی، علم‌اندوزی و حکمت‌مداری الهی طلب نمایند.

انقلاب سراسر نور اسلامی ایران که داعیه جهانی‌سازی کلمه الله و برپایی تمدن جهانی اسلام را داشته و فروپاشی و افول تمدن‌های پوشالی غرب و شرق را به نظاره نشسته است، با اندیشه فقاهتی در اداره حکومت و نظریه مترقی «ولایت فقیه»، طرازی از مسئولیت‌ها و مأموریت‌های حوزه‌های علمیه و روحانیت را عرضه نمود که امید و نشاط را نه تنها در شیعیان و مسلمانان، بلکه در دل تمامی آزادی‌خواهان و حق‌طلبان سراسر جهان زنده ساخت. در این راستا، رهبر فرزانه انقلاب (مدظله) با عزمی مصمم و با تمامی توان، همچون پیر و مراد خود خمینی کبیر رحمته‌الله، در صحنه حاضر شده و بر خطورت و فوریت حرکت فراگیر و بی‌وقفه همه‌توان‌مندی‌ها و اراده‌ها جهت تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و تحول در علوم انسانی و نیز یافتن راه‌های میان‌بر و دانش‌فزا در این خصوص، تأکید ورزیده و پیشرفت این مهم را راهبری و رصد می‌کند.

جامعه المصطفی رحمته‌الله العالمیه، نمادی درخشان از این رسالت جهانی و همت بین‌المللی انقلاب اسلامی است که بار مسئولیت تربیت مجتهدان، عالمان، محققان، متخصصان، مدرسان، مبلغان، مترجمان، مربیان و مدیران پارسا، متعهد و زمان‌شناس را بر دوش داشته و با تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی و قرآنی و گسترش مبانی و معارف اسلامی، به نشر و ترویج اسلام ناب محمدی رحمته‌الله و معارف بلند و تابناک مکتب اهل بیت علیهم‌السلام جامه تحقق می‌پوشاند.

پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی رحمته‌الله نیز که مهمترین و گسترده‌ترین مجموعه پژوهشی المصطفی رحمته‌الله است، بومی‌سازی و بازتولید اندیشه دینی معاصر متناسب

با نیازها و اقتضانات عرصه بین‌الملل، تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی، گشودن افق‌های نوین فکری و معرفتی در دنیای معاصر، پاسخ‌گویی به مسائل و شبهات فکری و معرفتی مخاطبان و تأمین و تدوین متون و منابع درسی و کمک درسی به‌ویژه با رویکرد اسلامی‌سازی علوم و پشتیبانی علمی از فعالیت‌های سازمانی المصطفی ﷺ را از جمله مأموریت‌ها و تکالیف خود می‌داند.

اثر علمی پیش روی نیز که به همت مؤلف محترم جناب آقای دکتر محمد مهدی توسلی (عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان) برای دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ معاصر جهان اسلام تهیه و تدوین شده است، در چارچوب همین اهداف و برنامه‌های پژوهشگاه و مبتنی بر نیازسنجی‌های صورت گرفته، تدوین و برای استفاده خوانندگان محترم تقدیم شده است.

در پایان لازم است ضمن ارج نهادن به تلاش‌های خالصانه مؤلف محترم، از کلیه دست‌اندرکاران محترم آماده‌سازی و انتشار این اثر ارزشمند، بویژه همکاران محترم مرکز بین‌المللی نشر و ترجمه المصطفی ﷺ و همه عزیزانی که به نحوی در تدوین و انتشار آن نقش داشته‌اند، قدردانی و تشکر نماییم و از خداوند متعال برای ایشان و همه خادمان عرصه تبلیغ و نشر مفاهیم و معارف دینی، آرزوی بهروزی، موفقیت و سعادت نماییم.

با احترام

پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ

فهرست

مقدمه	۱۷
کلیات	۱۷
۱. جغرافیای سیاسی هند	۱۸
۲. شرایط اقلیمی و تأثیر آن بر فرهنگ هند	۱۹
۳. فرهنگ در هند	۲۳
فصل اول: شکل‌گیری بنیادهای اجتماعی، دینی، سیاسی	۳۳
دوره باستان	۳۶
شروع تمدن دره سند (۳۲۰۰ ق.م)	۳۶
ساختار اجتماعی در تمدن سند	۳۸
آغاز و تحول شهرنشینی در سند	۳۹
ورود اقوام آریایی به هند	۴۳
۱. آثار مکتوب دوره حماسی	۴۷
۲. حماسه رامایانا	۴۷
جهان مهابهاراتا	۴۸
بهگواد گیتا	۴۸
پورانها	۴۹
قلمرو حکومت، وضعیت سیاسی	۴۹
مگده (مگادا)	۵۰

- ۵۲.....امپراتوری موريا (۱۸۵ - ۳۲۱ ق.م.)
- ۵۴.....دوره جانشینان موريا (از ۲۰۰ ق.م - ۳۰۰ ب.م.)
- ۵۸.....دوره گوپتا (سده ۴ تا ۵ یا ۶ م.)
- ۶۱.....هارشا واردانا (۶۰۶ - ۶۴۷ م.)
- ۶۳.....فصل دوم: اسلام در شبه‌قاره هند
- ۶۳.....اسلام در شبه‌قاره (از ۷۱۱ م تا امروز)
- ۶۷.....غزنویان (۳۵۱ - ۵۴۳ هـ)
- ۶۸.....غوریان (۵۴۳ - ۶۱۲ هـ)
- ۷۰.....تغلقیان (۷۲۰ - ۱۳۲۰/هـ/۱۴۲۷ م)
- ۷۱.....امپراتوری تیموریان هند (مغولان اعظم)
- ۷۲.....۱. بابر (۹۳۲ - ۹۳۷)
- ۷۴.....۲. همایون (۹۳۷ - ۹۴۷ و مجدداً ۹۶۲ - ۹۶۳ هـ)
- ۷۴.....۳. اکبر (۹۶۳ - ۱۰۱۴ هـ)
- ۷۵.....۴. جهانگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ)
- ۷۵.....۵. شاه‌جهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ هـ)
- ۷۶.....۶. اورنگ زیب (۱۰۶۸ - ۱۱۱۸ هـ)
- ۷۸.....۷. معماری تیموریان
- ۷۹.....حکومت‌های مسلمان جنوب هند - دکن
- ۷۹.....۱. بهمنیان (۷۴۸ - ۹۳۴ هـ)
- ۸۲.....۲. عادل‌شاهیان (۸۹۵ - ۱۰۹۷ هـ)
- ۸۳.....۳. نظام‌شاهیان (۸۸۹ - ۱۰۰۴ هـ)
- ۸۴.....۴. قطب‌شاهیان (۹۱۸ - ۱۰۹۸ هـ)
- ۸۶.....۵. سلاطین شرقی جونپور (۷۹۶ - ۸۸۳ هـ)
- ۸۸.....۶. حکومت میسور (۱۱۷۵ - ۱۲۱۹/۱۲۲۰ هـ)
- ۹۵.....فصل سوم: تحولات سیاسی و اقتصادی
- ۹۵.....دولت‌های استعماری
- ۹۶.....اوضاع اجتماعی شبه‌قاره در زمان استعمار
- ۹۷.....مغولان و کمپانی هند شرقی

فهرست ۱۳

- ۱۰۴..... کلهوران (۱۱۳۱ - ۱۱۹۹هـ).....
- ۱۰۵..... تالپوران (۱۱۹۹ - ۱۲۵۸هـ).....
- ۱۰۸..... شورش (جنگ آزادی) ۱۸۵۷.....
- ۱۱۳..... وضعیت اقتصادی هند بعد از شورش ۱۸۵۷.....
- ۱۱۴..... کنگره ملی هند.....
- ۱۱۶..... علمای هند و جنبش خلافت.....
- ۱۲۷..... نقش رهبران مسلمانان هند در تحولات این کشور.....
- ۱۲۷..... ۱. ابوالکلام آزاد.....
- ۱۴۲..... ۲. برادران علی.....
- ۱۴۳..... نقش مولانا محمدعلی جوهر در جنبش خلافت.....
- ۱۴۳..... جنبش عدم همکاری.....
- ۱۴۴..... تحولات هند پیش از استقلال.....
- ۱۴۵..... آزادی خواهی مسلمانان هند.....
- ۱۵۶..... مسلم لیگ.....
- ۱۶۱..... نگاهی به پاکستان.....
- ۱۶۳..... جمعیت.....
- ۱۶۴..... زبان.....
- ۱۶۵..... ساختار حکومتی.....
- ۱۶۵..... قوه مجریه.....
- ۱۶۵..... قوه مقننه.....
- ۱۶۶..... حکومت محلی و سیستم مجالس قانون گذاری.....
- ۱۶۷..... ۱. قوه مجریه: وظایف و اختیارات.....
- ۱۶۸..... ۲. قوه قضائیه: وظایف و اختیارات.....
- ۱۶۹..... دین.....
- ۱۶۹..... ۱. نفوذ پیروان سایر ادیان در حاکمیت.....
- ۱۷۰..... ۲. درگیری میان ادیان و مذاهب مختلف.....
- ۱۷۱..... ۳. آداب و سنن مذهبی و میزان پایبندی مردم به مذهب.....
- ۱۷۱..... سیر تحولات فرهنگی در پاکستان.....
- ۱۷۳..... ویژگی های اقتصادی پاکستان.....

۱۷۴ ۱. معادن
۱۷۴ ۲. کشاورزی
۱۷۵ ۳. انرژی
۱۷۵ ۴. صنایع نظامی
۱۷۵ ۵. صنایع غیرنظامی
۱۷۵ ۶. بازرگانی
۱۷۶ حمل و نقل و ارتباطات
۱۷۷ کمک‌های خارجی
۱۷۸ توان هسته‌ای
۱۷۹ سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی
۱۸۱ مبانی و اصول سیاست خارجی پاکستان
۱۸۴ روابط ایران و پاکستان
۱۸۵ حکومت پاکستان
۱۸۷ چالش‌های پاکستان
۱۸۸ آینده پاکستان
۱۹۱ مسئله کشمیر
۱۹۶ پاکستان و مسئله بنگال شرقی
۲۰۱ تحولات سیاسی هند
۲۰۱ ۱. تحولات بین دو جنگ اول و دوم جهانی
۲۰۲ ۲. تحولات از استقلال تا امروز
۲۰۶ ۳. گاندی، نهر و تحولات هند
۲۰۷ ۴. سیاست شکل‌گیری سال‌های ۱۹۴۷ میلادی به بعد
۲۱۳ تحولات اقتصادی هند
۲۱۸ نقش ایندیرا گاندی در اقتصاد هند
۲۲۴ تحول در صنعت
۲۲۸ تحقیقات هسته‌ای
۲۲۹ فناوری اطلاعات
۲۳۰ جنبش زنان و تحولات هند

۲۳۲ تعاملات اقتصادی، سیاست خارجی و امنیتی هند
۲۳۳ تهدیدات فراروی هند
۲۳۳ ۱. تهدید داخلی
۲۳۴ ۲. تهدیدات خارجی
۲۳۴ الف) پاکستان
۲۳۷ ب) چین
۲۴۰ ج) آمریکا
۲۴۸ د) روسیه
۲۴۹ روابط با ایران، حوزه خلیج فارس و خاورمیانه
۲۵۱ فصل چهارم: تحولات فرهنگی و اجتماعی هند
۲۵۳ احزاب مهم
۲۵۴ جامعه و فرهنگ هند
۲۶۲ مرحله برهمنی
۲۶۴ آیین هندو
۲۶۵ بودیسم
۲۷۰ جینیسم
۲۷۴ آیین سیک
۲۸۰ ازدواج در آیین هندو
۲۸۳ ساتی (رسم بعد از ازدواج)
۲۸۵ ازدواج در سایر ادیان
۲۸۵ ۱. ازدواج میان مسلمانان هند
۲۸۶ ۲. ازدواج میان سیک‌ها
۲۸۷ شیعیان هند
۲۸۷ ۱. فرهنگ شیعیان دکن
۲۹۲ ۲. روابط شیعه و سنی
۲۹۵ ۳. محرم در دکن
۲۹۷ اسلام در هند
۲۹۹ جامعه مسلمانان

- ۳۰۳.....وضعیت اسلام در هند امروز.....
- ۳۰۶.....فرق و مذاهب.....
- ۳۰۷.....۱. دیونديه.....
- ۳۱۶.....الف) مدرسه دارالعلوم دیونند.....
- ۳۱۹.....ب) مدرسه دیونند و سازمان تبلیغی جماعت.....
- ۳۲۱.....۲. بریلویه.....
- ۳۲۲.....الف) بزرگان بریلویه.....
- ۳۲۳.....ب) عقاید بریلویه.....
- ۳۲۵.....۳. قادیانیه.....
- ۳۲۸.....۴. خوجه‌ها.....
- ۳۳۰.....۵. بهره (یا بُهره‌ها).....
- ۳۴۰.....الف) اعمال مذهبی بهره‌ها.....
- ۳۴۳.....ب) موقعیت فعلی شیعیان بهره.....
- ۳۴۶.....زبان و ادبیات.....
- ۳۴۶.....۱. زبان.....
- ۳۴۸.....۲. ادبیات.....
- ۳۵۰.....سینمای هند.....
- ۳۵۲.....جشن‌ها و اعیاد هند.....
- ۳۵۴.....۱. عرس در شبه‌قاره.....
- ۳۵۷.....۲. عرس در پاکستان.....
- ۳۵۹.....۳. عرس در هند.....
- ۳۶۱.....رسانه‌ها و تهاجم فرهنگی.....
- ۳۷۰.....تحلیل نهایی.....
- ۳۷۵.....کتابنامه.....
- ۳۷۵.....فارسی و اردو.....
- ۳۸۱.....لاتین.....

مقدمه

کلیات

عناصر فرهنگی از طریق چهار حوزه اصلی تمدن در سرتاسر جهان گسترش یافته‌اند. این تمدن‌ها از شرق به غرب عبارت‌اند از: چین، شبه‌قاره هند، فلات ایران تا هلال حاصلخیز و مدیترانه، به‌خصوص یونان و روم (Child, 1969:172; Basham, 1998: 1). از بین تمدن‌های نام‌برده، هند سهم عظیمی در اعتباربخشیدن به فرهنگ جهان داشته است؛ چراکه زندگی دینی را در بخش بزرگی از آسیا و عناصر بسیار مهم را در فرهنگ مردم آسیای جنوب شرقی، مستقیم و غیرمستقیم، عمیقاً زیر نفوذ خود قرار داده است.

گسترش فرهنگ هند را می‌توان شبیه رودخانه‌ای دانست که از کوه‌های هیمالیا (هیمالایا) سرچشمه گرفته، جنگل‌ها و دشت‌ها را پشت سر نهاده، از باغ‌ها و مزارع گذشته و به روستاها و شهرها رسیده است. این رودخانه که از به‌هم‌پیوستن انشعابات بسیاری تشکیل شده، گرچه در مسیر خود به پیچ‌وخم‌های فراوانی برخورد کرده، اما ماهیت خود را حفظ کرده است. فرهنگ هند نیز همان ترکیب وحدت و اختلاف و همان تداوم و تغییر را نشان می‌دهد. هند در طول

تاریخ کهن خود، با حوادث بسیاری روبه‌رو شده، بارها خود را با این تحولات تطبیق داده و بدون این‌که وحدتش گسیخته شود، عناصر متعددی را به خود جذب کرده است (ناراوان، ۱۳۶۹: ۴).

۱. جغرافیای سیاسی هند

جغرافیای سیاسی شبه‌قاره همچون مثلث بزرگی است که هرچه از یخبندان‌های ابدی کوه‌های هیمالایا رو به جانب گرمای مداوم سیلان (سریلانکا) پایین می‌رود، تنگ‌تر می‌شود. در غرب این مثلث، ایران قرار گرفته است که فرهنگ، مردم، زبان و اسطوره‌های آن به مردم دوران ودایی شبیه است. با ادامه مرز شمالی به سوی غرب، به افغانستان می‌رسیم. این‌جا، گنداره باستانی (Dani, 23: 1980) است که پیکرتراشی یونانی و هندی چندی در آن با هم آمیختند و از هم جدا شدند و دیگر به هم نرسیدند (Kulke and Rothermund, 1998: 62 onward). ایالت کشمیر در شمالی‌ترین نقطه هند قرار دارد که نامش یادآور شکوه باستانی فنون نساجی هند است. جنوب آن ایالت پنجاب، یعنی سرزمین پنج‌رود قرار گرفته است؛ سرزمین مسطح و وسیعی که بی‌پایان به نظر می‌رسد و رودخانه‌هایی که به آرامی در میان آن در حرکت‌اند، آن را آبیاری می‌کنند. بخش عظیمی از مناطق جنوبی و غربی هند را جنگل‌های انبوه دربرگرفته و بخش‌های دیگر را زمین‌های بی‌حاصل پوشانده است. طبیعت در این سرزمین تأثیری عمیق، اما منظم دارد. تابستان، فصل باران و زمستان از پی هم می‌رسند و گاه شدت گرما و سوزندگی خورشید تمام علفزارها را خشک می‌کند و از پهنه‌ای سرسبز، زمینی خشک و بی‌ثمر می‌سازد. در آن هنگام که زمین و انسان از تشنگی و فشار گرما بی‌حس و مردار شده‌اند، ناگهان باران و توفان و رعد و برق و باد باسرعت

و شدت فراوان از راه می‌رسد و در اندک زمانی چهره زمین به کلی دگرگون می‌شود و همه چیز به گونه‌ای حیرت‌آمیز جان تازه‌ای می‌گیرد. آن‌گاه زمستان ملایم و فرح‌بخش آن به دنبال می‌آید که فصل دانه‌افشانی است و حاصل آن بسیار زود به دست می‌آید و از آن پس خرمن غلات در همه جا روی هم انباشته و انبارها لبریز می‌شود. آسمان هند همواره روشن و درخشان است و شب‌های آن زیبایی خاصی دارد (تاراچند، ۱۳۷۴: ۲۹۳).

۲. شرایط اقلیمی و تأثیر آن بر فرهنگ هند

هند سرزمینی است با آب‌وهوایی متفاوت و چشم‌اندازهایی گوناگون که نژادهای بسیاری در آن زندگی می‌کنند؛ مردم آن دارای مذاهب متفاوت‌اند و به زبان‌های مختلف گفت‌وگو می‌کنند؛ باوجوداین، همه آنها رنگ‌وبوی هندی دارند. منبع این وحدت، وصف‌نشدنی، قابل لمس و تحلیل‌ناپذیر است.

دشت بزرگ میانی و جنوبی را رودهای پرآبی مشروب می‌سازند. دو رود جمنا (یامونا) و گنگ (گنگا) آرام‌آرام از پنجاب به سوی جنوب جاری می‌شوند. جمنا دهلی را سیراب می‌کند و شکوه جاودانی تاج‌محل در آگره را در آب‌های همیشه جاری خود منعکس می‌سازد؛ گنگ، هنگامی که به شهر مقدس بنارس می‌رسد، پهن می‌شود، به گونه‌ای که روزانه میلیون‌ها نفر هندوی مشتاق را تطهیر می‌کند و با دوازده دهانه‌اش، استان‌های بنگال و کلکته را سیراب و حاصلخیز می‌کند. رودهای ناربادا، گداوری و کریشنا^۱ فلات دکن^۲ را بارور و سیراب می‌سازند. استان شرقی آندرا پرادش در ناحیه دکن قرار دارد و مرکز آن شهر

۱. نام سه رودخانه در ناحیه دکن.

۲. دکن برگرفته از واژه سنسکریت «دکشینا» به معنی جنوب است.

بزرگ و مسلمان‌نشین حیدرآباد است. ایالت مهاراشترا با مرکزیت بمبئی (ممبئی کنونی) در غرب آن واقع است. شهرهای پرنعمت سورت، احمدآباد و پونه از شهرهای بزرگ مهاراشترا به‌شمار می‌روند. شمال غربی دکن را راجپوتانا تشکیل می‌دهد که سرزمین راجپوت‌های دلیر است و شهرهای مشهور گوالیور، چیتور، جی‌پور، اجمیر و اودی‌پور در این ناحیه قرار دارند. شهر زیبای بنگلور و شهرهای میسور و مدراس در جنوب دکن قرار دارند و جوینده فرهنگ دراویدی را به معابد عالی، پرشکوه و افسانه‌ای در شهرهای تانجور، تریچینپالی، مادوره، رامشورام و سواحل مالابار در انتهای جنوبی هدایت می‌کنند. همه اینها بخش کوچکی از هند را تشکیل می‌دهند؛ اما سیمای غالب در هند، از دهلی گرفته تا سریلانکا، همان گرماست؛ گرمایی که تن را ناتوان و جوانی را کوتاه می‌کند و در آرامش دین و فلسفه ساکنانش مؤثر است. (ویل دورانت، ۱۳۷۶: ۴۵۷/۵) گویا تنها راه رهایی از این گرما، همچنان‌که پیدا است، آرام نشستن، کار نکردن و چیزی نخواستن است.

به نظر می‌رسد شرایط اقلیمی تأثیر فراوانی در پرورش تفکرات هندی داشته است. وقتی آفتاب در آسمان هند به آرامی ناپدید می‌شود و تاریکی بر همه جا سایه می‌گستراند، به تدریج ستاره‌ها ظاهر می‌شوند و تاریکی مرموز آسمان را درهم می‌شکافد و کسانی را که با حیرت به کهکشان بی‌انتها و شب خیال‌انگیز چشم دوخته‌اند، به تفکر بیشتر وامی‌دارد. روز به دنبال شب و فصل درپی فصلی دیگر می‌آید؛ و چرخش هستی بدین ترتیب ادامه می‌یابد، بدون این‌که چیزی آن را متوقف سازد یا تغییر دهد. پس جای تعجب نیست اگر ذهن پرسشگر مردم این سرزمین متأثر از آهنگ‌های ملایم و گیرای طبیعتی باشد که طی قرن‌ها ادامه یافته و اشتیاق و استعداد مردم را بیدار کرده و تفکر و فرهنگی مشخص و

متناسب با محیط، پرورده است. دهکده‌ها و روستاهایی که میلیون‌ها هندی را در خود پرورش داده یا گوشه‌های عزلتی که شاعران، بزرگان و فرزندان را به جامعه عرضه کرده است، در دل جنگل‌های انبوه قرار دارند. تأثیری که طبیعت در آغاز تازگی و جوانی بر روح آماده آنان گذاشته، موجب شده است در سن کمال حاصل آن را به دست آورند. گویی تأثیر جنگل در ذهن هندو جاودانه است (تاراچند، ۱۳۷۴: ۲۹۴).

خصیصه شعور و آگاهی هندی، شناخت زمان و مکان و سیر در شناخت واقعیت است؛ به عبارت دیگر، اگر حقیقت برجسته شعور اروپایی را میل به حرکت و عمل تشکیل می‌دهد، این حقیقت نزد یک هندی، میل به دانستن است. این اشتیاق به «دانستن» است که بر نحوه زندگی، فرهنگ و رشد تمدن او تأثیر گذاشته است.

در غرب اعتقاد بر این است که پیش از نفوذ آموزش، علوم و تکنولوژی اروپایی، شرق در طول سده‌ها اندکی تغییر کرده است (1: Basham, 1998). واقعیت این است که «خرد شرق» در طول هزاره‌ها بی‌تغییر ماند و در طول سده‌ها آموخته شد و عناصر ابدی خود را به گونه‌ای آموخت که تمدن غربی به فراموشی گرایید. از سوی دیگر، شرق عموماً و هند خصوصاً بر آن نبود که بدون برنامه‌ای مدون به دنیای آشفته مدرن کشورهای بسیار توسعه‌یافته غربی گام نهد؛ اما دلیلی وجود ندارد که میزان تغییر در هند، در زمان‌های پیشین، کندتر از دیگر نقاط جهان بوده باشد. تنها از سده شانزدهم به بعد، وقتی عوامل مختلف به گونه‌ای فزاینده پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی را در فرانسه هدایت و تسریع می‌کردند، اندک‌اندک افسانه بی‌تغییری آسیا ظاهر شد (دولافوز، ۱۳۱۶: ۱۲۷ به بعد).

در حقیقت، هند همواره و آرام‌آرام در حال تغییر بوده است. تمدن گوپتا

تغییری از تمدن موریای بود و آن نیز از تمدن سده‌های میانه متفاوت بود. همچنین تمدن مسلمانان متفاوت از تمدن سده‌های میانه هند بود. شکوفایی تمدن مسلمانانی که زیر حکومت شش فرمانروای بزرگ مغول^۱ بودند، تغییرات دیگری در تمدن هند به وجود آورد.

زندگی مذهبی هند و به‌طور کلی «خرد کهن» در طول سده‌ها تغییر کرد. بین زمان فلاسفه اولیه یونان و در زمان سنت توماس اکویناس، بودیسم در هند گسترش پیدا کرد و تا حدود زیادی ایده‌ها را تغییر داد، سپس سقوط کرد و در هندوئیسم، جایی که از آن بیرون آمده بود، فرورفت. بعدها روحانیان بودایی، پیام بودا را در بخش عظیمی از آسیا رواج دادند. اکروپل آتن حداقل پانصد سال بعد از نخستین معبد سنگی هندو ساخته شد (Basham, 1998: 1-3).

بسیاری از خدایان معروف هندوئیسم، مانند گانشا و هانومان، تا زمان مسیحیت تأیید نشده بودند؛ همچنین دیگر چهره‌های مشخص هندوئیسم، مانند آیین راما (Shreenivas, 1999: most pages) و نظام پیچیده و سخت آموزش و تربیت جسمانی هاتایوگا (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۹۷/۱ - ۳۱۱)، قرن‌ها بعد از مسیحیت شناخته شد (Basham, 1998: 1).

بی‌تردید هنوز لایه قدیمی‌تر زندگی فرهنگی هند، بسیار دورتر از مشابه آن در غرب قرار می‌گیرد. ریگ‌ودا (۱۵۰۰ - ۱۲۰۰ پ.م) بسیار پیش از ایلیاد هومر تحریر شده است و به‌ندرت چیزی در تورات، کتاب مقدس یهودیان، دیده می‌شود که کهن‌تر از کلمات ریگ‌ودا باشد. بعضی از آیین‌های دینی و اعتقادات مشهور هندوئیسم، مانند آیین قربانی گاو نر (آشوامدا) و درخت انجیر هندی (پی پال) به قدمت فرهنگ پیش از تاریخ هاراپا و حتی کهن‌تر از آن است. درحقیقت

۱. بابر، همایون، اکبر، جهانگیر، شاه‌جهان، اورنگ زیب.

هرنسل در هند، برای بیش از چهار هزار سال، عوامل فرهنگی را، حتی در حد بسیار اندک، به آیندگان واگذار کرده است.

۳. فرهنگ در هند

به نظر می‌رسد هیچ سرزمینی به اندازه شبه‌قاره هند تداوم فرهنگی نداشته است؛ از این رو، هر چند تمدن‌های کهن دیگری، نظیر تمدن‌های قابل توجه مصر و بین‌النهرین وجود داشتند، ولی این تمدن‌ها از طرف ساکنان آن مناطق فراموش و با فرهنگ‌های جدید ناخوانده، اندود شده‌اند، به گونه‌ای که کمتر کسی کتاب مردگان یا حماسه گیلگامش را به یاد می‌آورد یا شاهان بزرگی مانند رامسس دوم یا حمورابی در هیچ سنت زنده‌ای یافت نمی‌شوند. هر چند امروزه بسیاری از کشورها شکلی از آن اساطیر را زنده نگه داشته‌اند. به نظر نمی‌رسد این عمل سپاسگزاری از نوابغ تاریخی یا خاطرات جمعی حفظ‌شده از کشورهای مورد نظر باشد. از دیگر سو، در هند، هنوز برهن‌ها در عبادات روزانه خود کلمات مقدس ودایی را، که حدود سه هزار سال پیش نوشته شده‌اند، تکرار می‌کنند و در سنت آنان هنوز رؤسای قهرمان قبایل و نبردهای بزرگ آنان، که در همان سال‌ها صورت گرفته، به یاد آورده می‌شوند. به این ترتیب و به همین شیوه، ایران و چین و در مرحله‌ای ضعیف‌تر یونان، سنت‌های فرهنگی خود را تکرار کرده‌اند. (ناراوان، ۱۳۶۹: ۴ - ۷).

فرهنگ هاراپایی (حدود چهار هزار سال قبل) پیش از ودایی به تشریفات آیین حیوانات و درختان و در زمان‌های بعد به الهه‌های مادر، شیفتگی در تمیزی شخصی و تا حدودی به مظاهر فرهنگ هندی پرداخته است. از آریایی‌های ودایی، عناصر فرهنگی مشخصی مانند بسیاری از خدایانوان (ایونس، ۱۳۷۳: ۱۵۸

به بعد)، کلمات و واژه‌های ودایی، بعضی از مهم‌ترین تشریفات آیین هندوئیسم، نظام خانوادگی پدرسالاری و خانواده دودمان پدری و روش تربیت اسب گرفته شده است.

دوران ودایی اخیر (۶۰۰ تا ۱۰۰۰ پ.م)، اشتیاقی برای علل غایی تفکر، تمایل به مطلق‌گرایی، توجه به تناسخ، تلاش برای سمسارا (رهایی از چرخه تولد و مرگ) و عرفان اسرارآمیز پدید آورد. در زندگی اجتماعی و فرهنگ مادی همان دوره چهار طبقه جامعه هندو (وارنا) شکل گرفت، آهن از آسیای غربی معرفی شد، فیل اهلی شد و توسعه امپراتوری‌های خارج از سیستم قدرت‌گرایی قبیله‌ای آغاز گردید (ویل دورانت، ۱۳۷۶: ۵/۴۵۸ به بعد).

در سیصدسال بعد، سکه رواج یافت. خط، که در دوران فرهنگ هاراپایی شناخته شده بود و بعدها ظاهراً به فراموشی گرایید، کاملاً رونق گرفت. آموزگاران زندیق، به‌خصوص بخش عمده‌ای از آن‌ها که بودایی بودند، رویکرد جدیدی را، که منشعب از خدایان، وداها و برهمن‌ها بود و نیز محیط فرهنگی‌ای را که به آرامی به داخل بخش‌های دورتر شبه‌قاره کشانده شده بود، گسترش دادند (2: Basham, 1998).

توسعه‌های سیاسی، جانشین دوره‌ای شد که به نخستین امپراتوری بزرگ هند، موریها، هدایت شد؛ یعنی زمانی که برای نخستین بار بیشتر شبه‌قاره تحت یک دولت مرکزی، متحد شد. در این دوره (۳۲۰ تا ۱۸۵ پ.م) فرهنگ نظام‌کشورداری ماکیاولی به همت کوتیلیای وزیر (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۱۳/۱)، مؤلف کتاب مشهور آرتاشترا، تأسیس شد؛ همچنین از موریها، نخستین معماری سنگی هند، یعنی کهن‌ترین غارهای دست‌ساز و قدیمی‌ترین ستوپاهای بودایی (گنبد، مقبره بودایی) باقی ماند. با فرمان مشهورترین فرمانروای موریها، آشوکا (۲۷۲ تا ۲۳۲ پ.م)، بودیسم

نفوذش را در سرتاسر هند افزایش داد و به سریلانکا (سیلان) رفت. بین دوران موریایها و گوپتاها (۱۸۴ پ.م - ۳۲۰ ب.م) پانصد سال فاصله بود. در این مدت، پیشرفت شگفت‌انگیزی در تمدن هندی دیده شد که بخشی از آن به دلیل نفوذ جدید تاجران و مهاجمان مختلف به هند و بخشی از آن، نتیجه پیشرفت‌های داخلی بود. این تحول باعث شد اشکال جدیدی در پرستش مذهب ظهور کند. از سوی دیگر، باعث تمرکزگرایی در اطراف خدایان ویشنو و شیوا شد؛ در نتیجه، جامعه فرهنگی را به سوی تحریر کتاب معروف بهگوادگیتا هدایت کرد؛ کتابی که اکنون یکی از بانفوذترین متون مذهبی میان هندوئیسم است.

بودیسم، الهیات مهاییانا را در چین گسترش داد. قوانین نوشته شده سنت‌های پیشین به صورت مکاتب حقوقی پدیدار شد و دوحماسه بزرگ و جاودان هند، مهابهاراتا و رامایانا، تدوین گردید. ادبیات درباری خارج از شکل اولیه‌اش، گسترش خود را شروع کرد: درام، شاخه‌ای از قهرمانی به احساساتی و شعر، شگفت در شفافیت و نبوغ، هنوز مملو از احساس عمیق و صداقت، جلوه نمود. به این سبب، مکاتب فلسفی، مجزا از آموزگاران مذهبی مسن‌تر ظهور کرد. هند به وسیله تجارت به نواحی آسیای جنوب شرقی نزدیک‌تر شد و در نتیجه، آنان بسیاری از چهره‌های مذهبی و فرهنگی هند را پذیرفتند و اینها تنها اندکی از بدعت‌های زیاد این دوره هستند. شاید بیشترین تاریخ هند تا پیش از سده نوزدهم، در این دوره شکل گرفته باشد.

از سال ۳۲۰ تا ۶۴۷ میلادی، یعنی از ظهور گوپتاها تا مرگ هارشاواردانا، دوره کلاسیک تمدن هند محسوب می‌شود. در این عصر، بزرگ‌ترین معماری هند باستان به وجود آمد و زیباترین ادبیات هند در شعر و نمایشنامه‌های کالی‌داس شکل گرفت؛ همچنین بهترین نقاشی‌های دیواری هند باستان در غارهای آجاتتا

ترسیم شد. دانش نیز در این دوره رشد کرد. مهم‌ترین سهم علمی هند در جهان، سیستم ثبت مکانی اعداد با نه رقم و یک صفر بود که در سال ۵۰۰ میلادی شناخته شده بود. این کشف مهم باعث پیشرفت بزرگ ریاضیات و نجوم هندی شد. خدایانوان، بعد از قرن‌ها فراموشی، دوباره موضوع مهم پرستش شدند و معابد سنگی در این دوره در سرتاسر منطقه پدید آمدند.

بین مرگ هارشاواردانا و آمدن اسلام به شبه‌قاره (۶۴۷ - ۷۱۱م)، دین جذبه‌ای بکتی با اشعار مذهبی در آمیخت و بر زبان مردم تامیل‌نادو جاری شد و بعدها در پهنه عظیم شبه‌قاره رواج یافت. معابد، بزرگ‌تر و وسیع‌تر شدند و برج‌های زنده و روح‌دار روی آنها ساخته شد. نظام هاتایوگا گسترش یافت و آیین تانترا، اعتقاد به پرستش تذکیر و تأنیث برای رستگاری، در هر دو آیین هندو و بودایی رسوخ کرد (Basham, 1998: 3; Alan et al., 2000: 23 onward).

در فلسفه مذهبی هندوی شانکارا و رامانوجا بزرگ‌ترین آموزگاران دیده شدند. بعضی از سبک‌های عالی ساخت ادوات مفرغی در بنگال و تامیل‌نادو شکل گرفت و مکتب عالی نقاشی مینیاتوری در این نواحی به وجود آمد. با ورود اسلام به شبه‌قاره، تغییرات فرهنگی، ایجاد و دوران سلاطین مسلمان، سبک‌های جدید معماری با طاق و گنبد معرفی شد. مکاتب جدید نقاشی مینیاتوری، هم در شیوه اسلامی و هم در شیوه هندویی، با تأثیر از مکاتب نقاشی ایرانی در همین دوران ظاهر شد (Basham, 1998: 3).

همچنین آموزگاران صوفی راهکارهای اسلامی را انتشار دادند و به ساختن محیط مذهبی مساعد هند شمالی برای رواج هندوئیسم از جنوب کمک کردند؛ کاغذ جایگزین مواد نویسندگی سنتی مانند برگ خرما و پوست درخت شد؛ زبان اردو به منزله گویشی مختلط، یعنی زبانی آمیخته از زبان فارسی (حدود ۶۰

درصد) و زبان‌های هندی، عربی و زبان‌های محلی ظهور کرد و در هند شمالی رواج یافت و شاعران این خطه، از آن به بعد به جای سنسکریت کلاسیک، به این زبان شعر سرودند.

در دوران امپراتوری بزرگ مغولی تیموریان هند (۱۵۲۶ - ۱۷۰۷م و جانشینان اورنگ زیب تا ۱۸۵۸م)، مکتب معماری و نقاشی مینیاتوری اسلامی با ساخت بناهای باشکوهی، مانند تاج‌محل در آگرا، رونق گرفت. در این دوره توپ و اسلحه‌های آتشین کوچک در جنگ‌ها رواج یافت.

در اواخر این دوره، اروپایی‌ها، آرام‌آرام، در بنادر مختلف، قرارگاه‌های تجاری تأسیس کردند و از طریق آن‌ها فراورده‌های کشاورزی، مانند سیب‌زمینی، تنباکو، آناناس و با تعجب بسیار، ادویه - که امروزه عموماً پنداشته می‌شود مخصوص هند است - و فلفل به هند معرفی شد. (Ibid: 4) مذهب سیک درست در زمان شروع این دوره، مانند آیینی کوچک و عبادی ظهور کرد و حدود زمانی که دوره مورد نظر به پایان می‌رسید، این آیین به صورت زخمی برای جامعه هند بروز کرد تا نقش مهمی را در اغتشاش زندگی سیاسی قرن آینده بازی کند (Kulke and Rothermund, 1998: 222-292).

سده هجدهم (سقوط اورنگ زیب) شکست امپراتوری مغول را به ارمغان آورد و به آرامی قدرت کمپانی هند شرقی بریتانیا گسترش یافت. وقت آن رسیده بود که سقوط کلی فرهنگ در هند آغاز شود، اما نوابغ و فرزندگان آن سرزمین هنوز برای حفظ فرهنگ خود تلاش می‌کردند. زبان اردو، که پیش از این افراد کمی آن را به جای زبانی ادبی به کار می‌بردند، در دربارهای روبه‌انحطاط دهلی و لکهنو وسیله بزرگ شعر و شاعری شد. در پایان همین سده، در دربارهای کوچک مهاراجه‌های محلی، در دامنه‌های هیمالایا، نقاشان چیره‌دستی کار

می‌کردند که آثار بی‌نظیری به وجود آوردند. با شروع سده نوزدهم، نفوذ شدید استعمارگران غربی در شبه‌قاره باعث پدید آمدن نوآوری‌های فراوانی شد که می‌توان فهرستوار آنها را ذکر کرد.

این مقدمه فشرده، نشان می‌دهد که شبه‌قاره در طول هزاره‌ها به آرامی تحول یافته است. هند بیش از چهارهزار سال از تمدن بهره‌مند بوده (و تا امروز این سیر را ادامه داده) و هر دوره از تاریخش چیزی برای روزهای آینده باقی گذاشته است. همچنان‌که این میراث بزرگ بشری باقی مانده است، مردم شبه‌قاره میراث دیگری از خود طبیعت، یعنی سرزمین و اقلیم آن، به ارث برده‌اند. طبیعت و پدیده‌های طبیعی در سرتاسر شبه‌قاره، همچون سلسله کوه‌های عظیم هیمالایا و رودهای پر آب آن، بخش بزرگی از بینش اساطیری و فرهنگ هندی را شکل داده است. همچنان‌که فلات آسیای مرکزی در فصل بهار، گرم‌تر می‌شود، هوای گرم بالا می‌آید و باد، توده بزرگ ابرهایی را که از اقیانوس هند به سوی سرزمین‌های بلند جذب می‌شود، به همراه می‌آورد. حرکت ابرها توسط کوه‌ها متوقف می‌شود و در نتیجه، ابرها باران سنگین خود را روی زمین تفتنه و کاملاً داغ می‌ریزند. فصل باران، از اوایل خردادماه آغاز می‌شود و حدود سه‌ماه ادامه می‌یابد و آب برای تمام سال ذخیره می‌گردد، به جز در طول کرانه‌های شرقی و غربی و در چند منطقه منحصراً مساعد، باران بسیار اندکی در سایر فصول می‌بارد؛ بنابراین زندگی تقریباً تمام شبه‌قاره، به فصل باران (مون‌سون) بستگی دارد؛ به همین دلیل، ذخیره و درست استفاده کردن از آب، عامل مهمی در زندگی هندیان و یکی از مسائل مورد توجه حکومت‌های آنان است. امروزه، دولت به سبب ارزش آب، آن را در نظام آبیاری کشور، ترویج و هدایت کرده است. در گذشته، هر زمان که باران کافی نمی‌بارید، قحطی می‌شد؛ هر زمان که یک حکومت محلی

قدرت خود را از دست می‌داد، آبیاری مورد غفلت قرار می‌گرفت، سدها شکسته و کانال‌ها با گل و علف هرز، مسدود می‌شد و مشقت بزرگی به‌وجود می‌آمد؛ از این‌رو، روستاییان آموخته بودند جدا از فرمانروایان‌شان، با تشکیل دولتی در دهکده، زیر نظر کمیته‌ای محلی به نام شورای محلی (به زبان محلی پنچایت گفته می‌شد) بایکدیگر همکاری کنند؛ بنابراین، هرچند در مقیاس وسیع، حکومتی مستقل ضرورت داشت، ولی در سطح محلی، وجود شوراهای امری حیاتی بود.

چالش با طبیعت در ذهن هندیان کاملاً جدی است. خشک‌ترین فصل سال، گرم‌ترین نیز هست. در ماه‌های فروردین و اردیبهشت، تحمل زندگی همان‌قدر مشکل است که در زمستان سخت شمالی. فصل باران، مشکلات دیگری به همراه دارد: تقریباً باران سنگین دائمی و سیلاب، زندگی هزاران نفر را تباہ می‌کند، مسیر رودخانه‌ها را تغییر می‌دهد، بیماری‌های مسری به‌وجود می‌آورد و نیش حشرات موذی و میکروب بیماری‌های شایع (مانند مالاریا) را در منطقه گسترش می‌دهد. فصل زمستان، کم‌ویش، هرچند روزها معتدل و آفتابی است، شب‌ها خیلی سرد است، به خصوص در پاکستان و بخش غربی بستر گنگ. در چنین آب‌وهوایی، به ویژه در نیمه‌های شب که دما به زیر صفر و نقطه یخبندان می‌رسد، مرگ‌ومیر فراوان است. درست در همان زمان، در مناطق ساحلی حاره‌ای شبه‌جزیره شرایط آب‌وهوایی به گونه‌ای است که جمعیت قابل ملاحظه‌ای بدون سخت‌کوشی و دوراندیشی و تنها از طریق مواد غذایی، مانند نارگیل، موز و ماهی‌های فراوان اقیانوس هند زندگی می‌کنند. آنان بیش از دوهزار سال است که بدین شیوه زندگی کرده‌اند.

سخت‌ترین فصل‌های طبیعت حاره‌ای و نیمه‌حاره‌ای با گرمای شدید، باران فراوان و خشکی زیاد در فصل‌های مختلف سال در سرتاسر شبه‌قاره نمایان است.

درحقیقت، آب‌وهوای شبه‌قاره تمایل به افراط دارد و به‌نظر می‌رسد این ویژگی در شخصیت مردم و طرز تلقی آنها از زندگی تأثیر گذاشته است. یکی از بزرگ‌ترین معلمان هند، این ویژگی را میانه‌روی نامیده است؛ اما نسل‌های بعدی همیشه این ویژگی را رعایت نکرده‌اند؛ بلکه در ریاضت افراط کرده و از تجمّل دست شسته‌اند (Ibid: 6).

درجنوب هیمالایا، همچنان‌که اشاره شد، دشت بزرگ شبه‌قاره قرار دارد؛ مرکزی که از آنجا، تمدن در زمان‌های کهن انتشار یافت. وقتی گل‌ولای رودخانه‌های سند و گنگ در این دشت ته‌نشین شدند؛ این دشت و زمین‌های اطراف رودخانه‌ها بسیار حاصلخیز شدند و طی سده‌های بسیار، جمعیت بی‌شماری از آن بهره بردند. جنوب گنگ، کوهستان ویندیا قرار دارد و رود طولانی و زیبای نارمادا، بخش شمالی را از فلات مهاراشترا، که دکن نامیده می‌شود، جدا می‌کند. این ناحیه از نظر حاصلخیزی ضعیف‌تر از دشت‌های بزرگ است و حداقل دوهزار سال مأمّن کشاورزان جنگجو و خشنی بوده که هرگاه رهبری توانا میان آنها پیدا می‌شد، از نیروی آنان برای امتیازگرفتن از همسایگان ثروتمند شمالی، جنوب شرقی و جنوب استفاده می‌کرد.

دشت ناهموار در جنوب و جنوب شرقی حاصلخیز است. در طول کرانه‌های شرقی شبه جزیره‌ای، دشت‌های بارور رودخانه‌ای قرار دارند که از لحاظ تاریخی، مهم‌ترین قسمت تامیل نادو است و از مدراس شروع می‌شود و تا دماغه کومورین در جنوبی‌ترین نقطه امتداد می‌یابد. مردم تامیل، که از نسل دراویدین‌ها هستند، بیش از دوهزارسال تمدن خود را جدا و به گونه‌ای مستقل از آریایی‌های شمالی، گسترش داده‌اند. این ناحیه در سرتاسر تاریخ، فرهنگ و زبانی خاص داشته است. ادبیات، زبان و خصیصه‌های معماری و هنری این ناحیه، مملو از

عناصر دراویدی‌های کهن است، درحالی‌که در ناحیه شمال، کاملاً فرهنگ هندی حاکم است.

بیشتر جمعیت هند از نژاد مدیترانه‌ای کهن هستند که اغلب دراویدی نامیده می‌شوند؛ واژه‌ای که اکنون مورد علاقه انسان‌شناسان نیست. خاستگاه اصلی این مردم مشخص نیست، هرچند آنان سهمی عظیم در پی‌ریزی تمدن سند داشته‌اند. از نگاه انسان‌شناسی جسمانی، دراویدی‌ها دارای اندامی لاغر و زیبا، چهره‌ای به‌خوبی تراشیده‌شده و بینی عقابی هستند. این نوع در مناطق دیگر شبه‌قاره نیز دیده شده است (Ibid: 7).

آریایی‌ها در هزاره دوم پ.م وارد شبه‌قاره شدند. آنها شاخه شرقی اقوام آریایی بودند که با آریایی‌های ایرانی از یک ریشه بودند. بعضی معتقدند این مردم در دو یا سه مرحله وارد هند شدند. مهاجران اولیه کله گرد (براکی سفالیک) بودند و به آلپی معروف‌اند؛ مهاجران بعدی افرادی کله دراز (دولیکوسفالیک) بودند که به قفقازی یا هندواروپایی شهرت دارند و شبیه نوع اروپای شمالی هستند.

فرهنگ آریایی به وسیله فرهنگ بومی بارور شد و پیشرفت کرد و تمدن کلاسیک هند را شکل داد. بعضی معتقدند در شکل‌دادن به این تمدن، عناصر غیرآریایی بیش از آریایی مؤثر بوده‌اند (Tavassoli, 1999: 50-55 and onward). امروزه تیپ هندواروپایی عمدتاً در پاکستان، کشمیر و پنجاب دیده می‌شود؛ اما در ناحیه دکن، به ندرت گونه‌های خالص یا تقریباً خالص آن حضور دارد.

نژادهای پروتو - استرالوید، مدیترانه‌ای کهن و هندواروپایی، به وفور میان ساکنان هند دیده می‌شوند؛ البته تنها اینها نیستند، تقریباً هر نژادی از آسیای میانه به هند راه یافته است. نگرورها، خیلی پیش از این‌که مسلمانان وارد هند شوند، در

سرزمینی که امروز پاکستان نامیده می‌شود، حکومت کردند؛ نژادهای مختلف مغول از آن سوی هیمالایا و گذرگاه‌های شمال شرقی، در روزگاران پیش از تاریخ، وارد شبه‌قاره شدند. فرمانروایان مسلمان، از آفریقا بردگان فراوانی به این سرزمین آوردند که از آن زمان تاکنون با نژاد هندیان آمیخته‌اند؛ همچنین بازرگانانی از ایران و کشورهای عربی، پیش از عصر مسیحیت، در طول کرانه‌های غربی هند ساکن شدند که بعضی از آنان با زنان هندی ازدواج کردند و نسل‌هایی غیر قابل تشخیص از بقیه جمعیت، به وجود آوردند. دیگران، مانند جماعت کوچک اما نیرومند پارسی، از همان آغاز تاکنون شکل خالص خود را حفظ کرده‌اند. بازرگانان مختلف اروپایی و فاتحان آن‌ها نشانه‌هایی از خود برجای گذاشته‌اند. در طول کرانه‌های غربی هند و سریلانکا، خون پرتغالی‌های مهاجم در رگ‌های مردم جریان دارد، درحالی‌که در مناطق دیگر، نسلی که انگلیسی - هندی نامیده می‌شوند، در نتیجه ازدواج بازرگانان و سربازان انگلیسی با زنان هندی به وجود آمده است (Basham, 1998: 7).

در مطالعه تاریخ فرهنگ و تمدن شبه‌قاره، نباید این نکته مهم را از نظر دور داشت که بردباری هندی، میراث اقلیم، سرزمین و مردمی است که اساس تمدن بزرگ خود را پی‌ریختند و کم‌وبیش مایل‌اند این تمدن و شرایط زندگی مردم در فرازونشیب‌های سده‌های آتی بی‌تغییر بماند.

با توجه به این مقدمه، در فصل‌های بعدی، به‌صورتی فشرده، به بررسی تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شبه‌قاره هند، از آغاز تا امروز، می‌پردازیم.